

ORIGINAL ARTICLE

A study of the Record and Performance of Zanjan Provincial Association (1327-1324 AH)

Hasan Rostami¹, Abbas Ghadimi Gheydari^{2*}

¹ PhD in Iranian History after Islam, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

² Professor of History, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Correspondence

Abbas Ghadimi Gheydari

Email: ghadimi.history@gmail.com

ABSTRACT

Iranian constitutionalism created civil and grassroots institutions that had nothing to do with Iran's history. State and provincial associations were one of the most noble institutions that emerged from the process of constitutionalism. And one of the most important demands of constitutional experts, which was approved in the first term of the National Assembly and became the link between the people and the government and parliament. The city of Zanjan was one of the places in which the Provincial Association was set up, but with the ambiguity in the constitutional events of this city, the record of Zanjan Provincial Association was also overshadowed. The main issue of this study is on the Zanjan Provincial Association's performance and how it is connected to the current of constitutionalism in Iran during the constitutional era. This issue was analyzed by collecting data from libraries and documents and using sources such as newspapers from the constitutional era and analyzing this data in a descriptive-explanatory manner. According to the findings of the study, The Zanjan Provincial Association has dealt with ups and downs in its efforts to achieve constitutional goals, as the association's members depend on the support of the upper classes, kinship with opposition groups, the weakness of constitutionalists, competitions of religious scholars, prioritization of personal interests and current constitutional events in Tehran and Tabriz, as the main bases of constitutionalism, affected their activities. Due to these factors, the Zanjan Provincial Association's performance in the constitutional era was accompanied by a failure to fulfill the demands and goals of the constitutional process.

KEYWORDS

Zanjan Provincial Association, Islam Association, Mirza Abolmakarem Mousavi, Mullah Ghorbanali, Jahanshahkhan Amirafshar.

How to cite

Rostami, H. & Ghadimi Gheydari, A. (2022). A study of the Record and Performance of Zanjan Provincial Association (1327-1324 AH). Iran Local Histories, 11(1), 53-68.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

سال یازدهم، شماره یکم، پیاپی بیست و یکم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (۶۸-۵۳)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

DOI: 10.30473/LHST.2023.61642.2683

بررسی کارنامه و عملکرد انجمن ولایتی زنجان (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق)

حسن رستمی^۱، عباس قدیمی قیداری^{۲*}

چکیده

مشروطیت ایران موجد نهادهای مدنی و مردمی شد که در تاریخ ایران پیشینه و سابقه‌ای نداشت. انجمن‌های ایالتی و ولایتی یکی از اصیل‌ترین نهادهای برخاسته از جریان مشروطه‌خواهی و از خواسته‌های بنیادین مشروطه‌خواهان بود که در اولین دوره مجلس شورای ملی به تصویب رسید و حلقه ارتباط مردم با دولت و مجلس گردید. شهر زنجان از جمله نقاطی بود که در آن انجمن ولایتی دایر شد، اما به موازات ابهام در حوادث مشروطه این شهر، کارنامه انجمن ولایتی زنجان نیز در سایه قرار گرفت. مسئله اصلی این پژوهش عملکرد انجمن ولایتی زنجان و نسبت آن با جریان مشروطه‌خواهی در ایران عصر مشروطه است. این مقاله با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و استفاده از منابع اصلی چون روزنامه‌های عصر مشروطه و تجزیه و تحلیل تجزیه و تحلیل این داده‌ها به روش توصیفی-تبیینی این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌های پژوهش عملکرد انجمن ولایتی زنجان در جهت رسیدن به اهداف مشروطه با فراز و فرودهایی همراه بوده است که وابستگی اعضای انجمن به طبقه فرادست، روابط خویشاوندی با گروه‌های مخالف، ضعف مشروطه‌طلبان، رقابت‌های علما، الویت بخشی به منافع شخصی و حوادث جاری مشروطه در تهران و تبریز به عنوان‌عنوان پایگاه‌های اصلی مشروطیت، بر فعالیت‌هایشان تأثیر گذاشت. با توجه به این عوامل کارنامه انجمن ولایتی زنجان در عصر مشروطه با ناکامی در تحقق خواسته‌ها و اهداف جریان مشروطه‌خواهی همراه گردید.

واژه‌های کلیدی

انجمن ولایتی زنجان، انجمن اسلام، میرزا ابوالمکارم موسوی، ملا قربانعلی، جهان‌شاه خان امیرافشار.

^۱ دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
^۲ استاد گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

نویسنده مسئول:

عباس قدیمی قیداری

رایانامه: ghadimi.history@gmail.com

استناد به این مقاله:

رستمی، حسن و قدیمی قیداری، عباس (۱۴۰۱). بررسی کارنامه و عملکرد انجمن ولایتی زنجان (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق). فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۱)، ۶۸-۵۳.

مقدمه

جدیدی به پژوهشگران عرضه نمی‌کند. پیرامون انجمن‌های ایالتی و ولایتی عصر مشروطه می‌توان به مقاله‌هایی چون «انجمن ایالتی تبریز، تعبیر الگوی مدیریت شهری» اثر عباس قدیمی‌قیداری و مرتضی شهسواری و «انجمن ملی اصفهان و فدائیان مجلس در مشروطه اول» اثر محمدعلی رنجبر و نورالله عبداللهی اشاره کرد.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی

پیش از عصر مشروطیت انحطاط روزافزون نظام اداری، رکود اقتصادی و توجه‌نکردن به مطالبه‌های طبقه فرودست، دولت و جامعه را در بحران فرو برد. اعتراض علیه امتیاز رژی و ترور شاه در عبدالعظیم واکنشی به این شرایط بود. پس از به قتل رسیدن شاه قاجار و فراهم‌شدن آزادی نسبی، عرصه برای فعالیت به‌وجود آمد. تشکیل انجمن‌های ملی از جمله تلاش‌ها بود که به‌طور پنهانی و با تشکیل جلسات سری در شهرهای مهم برگزار شد (شجعی، ۱۳۴۴: ۵۱).

پس از فرمان مشروطه و پیش از تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، در برخی از مناطق انجمن‌ها فعالیت‌هایشان را آغاز کردند. انجمن تبریز از جمله این انجمن‌ها بود (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴). کوشندگان جریان مشروطه‌خواهی تبریز منتظر رسیدن نظام‌نامه انتخابات نامند و با تأسیس این نهاد ملی، وظیفه مهم ملی و مدنی را برعهده گرفتند (قدیمی‌قیداری، ۱۳۹۹: ۱۹۰). با برگزاری انتخابات مجلس، محمدعلی میرزای ولیعهد دستور انحلال انجمن تبریز را صادر کرد، ولی با مخالفت مردم تبریز که در انجمن ملجا و مرکزی جهت نیل به خواسته‌هایشان یافته بودند، مجبور به عقب‌نشینی شد (کسروی، ۱۳۸۳: ۱۹۵-۱۹۶).

با تصویب قانون اساسی و متمم آن در مجلس، اصل ۹۰-۹۳ به انجمن‌های ایالتی و ولایتی، طرز انتخاب نمایندگان، حدود و وظایف اختصاص یافت (مذاکرات مجلس اول، ۲۴ شعبان ۱۳۲۵: جلسه ۱۶۲). با تصویب این قانون می‌بایست انجمن‌های خودسرانه برچیده شده و انجمن‌های جدید براساس قانون تشکیل می‌شد، اما چون در متمم قانون اساسی دوگونه انجمن یکی ایالتی و دیگری ولایتی ثبت شده بود، ایالت‌ها و ولایات مختص این موضوع تعیین نگردیدند. مجلس سرانجام تصمیم بر اعلام چهار منطقه خراسان، آذربایجان، فارس و کرمان به نام ایالات و نقاط دیگر به‌عنوان ولایات گرفت. این تصمیم موجب آشوب در مناطقی چون گیلان پیرامون نادیده گرفته‌شدن از نظر اهمیت و مجاهدت در راه مشروطه شد (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۶۸-۴۶۹). اوایل ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ.ق در مقابل ناآرامی‌های گیلان، مجلس تعرض علیه این انجمن‌ها را آغاز کرد. ۵ محرم ۱۳۲۵ هـ.ق قانونی درباره انجمن‌های

مجموعه‌ای از ناکامی‌های مختلف دولتمردان قاجار، جامعه ایران را وادار به حرکت‌های اعتراضی پیرامون استیفاء حقوق خویش نمود که سرانجام به تغییر در نوع نظام سیاسی کشور و استقرار مشروطیت و نهادهای جدیدی چون مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی انجامید. مجلس شورای ملی به‌عنوان مهم‌ترین رکن انقلاب مشروطیت، در کنار قوانین مهمی که در رابطه با شرایط جامعه وضع کرد، با تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، راه را برای احیاء بخشی از آرمان‌ها و اهداف مشروطه‌خواهان و خواسته‌های مردم گشود. در آغاز انتظار از این نهاد، برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی در ولایات بود، اما نظارت و بررسی عملکرد حکام مناطق مختلف، مهار نیروهای مرکزگریزی چون خوانین ایالات و ولایات و رسیدگی و مطالبه حقوق طبقه فرودست، وجود انجمن‌های ایالتی و ولایتی را برای برقراری و تثبیت مشروطه در مناطق مختلف کشور ضروری ساخت.

شهر زنجان در سال‌های مشروطیت (۱۳۲۴-۱۳۲۷ هـ.ق) به‌واسطه قرارگرفتن در میانه راه دارالخلافه تهران و دارالسلطنه تبریز، بحرانی‌ترین دوره‌های حیات اجتماعی و سیاسی خویش را گذراند. با آغاز مشروطه و صدور فرمان تأسیس مجلس شورای ملی، مخالفان و موافقان مشروطه به تاسی از این مراکز شروع به فعالیت کردند و انجمن ولایتی زنجان نیز تأسیس شد؛ اما به موازات ابهام در رخدادهای مشروطه زنجان، عملکرد این نهاد مهم عصر مشروطه نیز مورد توجه و بررسی قرار نگرفت. مسئله پژوهش حاضر بررسی فرایند تأسیس انجمن ولایتی زنجان، تبیین نقش، اندیشه و خاستگاه عناصر سیاسی در آن و فعالیت و کارنامه انجمن ولایتی است. این پژوهش با اتکا به منابع اصلی چون اسناد سازمان‌ها و خاندان‌ها، مصاحبه با بازماندگان عناصر متنفذ زنجان در عصر مشروطه، روزنامه‌ها و خاطرات، با تجزیه و تحلیل این داده‌ها به توصیف و تبیین موضوع پرداخته است. پژوهش حاضر از پیشینه‌ای برخوردار نیست. پیرامون پیشینه پژوهش، منابع عصر مشروطه به دو حادثه قتل حاکم زنجان سعدالسلطنه و عظیم‌زاده پرداختند. در پژوهش‌های محلی کتاب «بررسی تحولات سیاسی، اجتماعی شهر زنجان از انقلاب مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول» نوشته حسین خمسه‌ای با مروری بر برخی حوادث و بهره‌گیری از منابع عمومی به چاپ رسیده است. صاحب اثر به سبب اندک منابع مورد استفاده، بسیاری از رخدادهای زنجان و نقش طبقات و گروه‌های مختلف را نادیده گرفت. در مجموع کتاب خمسه‌ای مطلوب خواننده عام است و داده‌ها، مباحث و نتایج

شیخ‌الاسلام ایجاد کرد. این سیاست‌گذاری‌ها خواسته یا ناخواسته به اشرافیت ایلی - روستایی نیز تسری یافت. این بار صدراعظم امین‌السلطان با برکشیدن جهان‌شاه امیرافشار، رقیبی در برابر خاندان‌های نظامی ذوالفقاری و مظفری ایجاد نمود (جهانشاهلو، ۱۳۹۹: ۱۲۱-۱۲۲). این سیاست‌ها با اعطای زمین‌های ارزشمند روستایی و معدن به خاندان امام‌جمعه (اسناد خاندان امام‌جمعه، ۱۳۹۹: اسناد دفتر آیت‌الله حسینی) و حمایت از قدرت امیرافشار در تصاحب و خرید زمین‌های منطقه دنبال شد (سالور، ۲/ ۱۳۷۴: ۱۴۹۵). در دوره ناصری با ورود برخی عناصر متنفذ روستایی که در گروه علما قرار داشتند، رقابت‌های فرهنگی با رویکرد اصالت بخشی خاندانی و شهری ایجاد شد.

حکمرانان زنجان پس از عبدالله‌دارا ناگزیر از رعایت موازنه قدرت در روابط با عناصر فقهتی و ایلی بودند. ملک‌آرا برادر شاه از تنگناهای حاصل از این موضوع رنج می‌برد (ملک‌آرا، ۱۳۶۱: ۱۲۰-۱۲۱). برخی حکمرانان متأثر از رقابت‌ها، وابسته به یکی از جناح‌های قدرت بودند. به طوری که احتشام‌السلطنه نزدیک به ملا قربانعلی^۱ و در مقابل خاندان موسوی قرار گرفت (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۸۸ و ۱۵۸)، در مقابل وزیرهایون به مقابله با ملاقربانعلی برخاست و با میرزا ابوالمکارم^۲ روابط نزدیکی برقرار کرد (زنجان عصر قاجار «پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی»، ۱۳۸۹: شماره سند ۹). این سیاست‌های کارگزاران حکومتی با رعایت موقعیت و جایگاه هریک از عناصر قدرت، موجب دوام حکمرانی و تنش کمتر در حوزه حکومتی می‌شد، موضوعی که حکمرانانی چون احتشام‌الدوله به واسطه درگیری با امیرافشار آن‌را نادیده گرفتند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۰).

توسعه اشرافیت فقهتی - ایلی در جامعه زنجان عصر قاجار رقابت‌های فراوانی به دنبال داشت. در آستانه مشروطه ملاقربانعلی

ایالتی به تصویب رسید که به موجب آن تا اندازه‌ای به آن‌ها حق نظارت در سازمان‌های اداری دولت را در ایالات می‌داد، اما مردم را از شرکت در انتخابات انجمن محروم و حق مداخله در امور انجمن‌ها را سلب می‌کرد (گرانوسکی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۸۵). وضع این قانون ناسازگاری برخی انجمن‌ها را با مجلس و دولت مشروطه آشکار نمود که به عقیده برخی نمایندگان موجب تعطیلی مصوبه‌های مجلس و مانعی در مقابل فعالیت‌های دولت‌های مشروطه در نقاط مختلف گردید (مستوفی، ۱۳۴۸: ۳۸۰/۲).

براساس مصوبه مجلس اول تعداد اعضای انجمن‌های ایالات ۱۲ نفر و ولایات ۶ نفر تعیین شده بود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۵۰). از بین انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انجمن تبریز کارنامه موفق‌تری داشت. این انجمن رفع توقیف روزنامه‌ها را خواستار شد (ناطق، ۱۳۶۲: ۲۱) و در واقعه میدان توپخانه به وسیله تلگراف، سایر انجمن‌ها را به پشتیبانی از مجلس ترغیب کرد (کسروی، ۱۳۸۳: ۸۸۹-۸۹۰).

ساخت قدرت و وضعیت اجتماعی زنجان در دوره قاجار

ساختار جامعه ایران در عصر قاجار مبتنی بر نظام ایلی و عشایری و فاقد دیوانسالاری گسترده براساس نظریه استبداد شرقی بود. در این نظام شیوه کهن آبیاری غیرمتمرکز موجب تقویت متنفذین محلی در مقابل حکومت شد (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۲). در اوایل دوره قاجار سیاست‌های دینی فتحعلی‌شاه برای نزدیکی به دستگاه روحانیان، عامل مهمی برای تقویت این نیروها بود. نتیجه این شیوه اقتصادی و مشی سیاسی اگرچه مانعی در برابر سلطه حاکمیت دیوانسالاری بود، اما در برخی سیاست‌گذاری‌ها موجب رقابت‌های طبقاتی و وابستگی عناصر فرادست جامعه به دولت مرکزی شد. در زنجان به سبب نزدیکی به مراکز مهم تهران و تبریز، سیاست‌های قاجارها نمود آشکاری داشت. توسعه شهر و ساخت بناهای عمومی چون بازار و مسجد جامع از اقدام‌های حاکم زنجان شاهزاده عبدالله‌دارا بود که علاوه بر تغییر سیمای ظاهری شهر، با اعطای منصب «امام‌جمعه» به یک روحانی با نام «سید محمد سیردانی طارمی»، اشرافیت فقهتی جدیدی را ایجاد کرد (اسناد خاندان امام‌جمعه، ۱۳۹۹: اسناد دفتر آیت‌الله حسینی). هدف در ظاهر ساخت مسجد جامع و واگذاری موقوفات ارزشمند آن به یک روحانی شیعی بود، اما حکمران با این اقدام رقیبی در برابر جایگاه فقهتی کهن زنجان در قالب خاندان‌های موسوی و

۱. ملاقربانعلی فرزند علی‌عسگر سال ۱۲۴۶ ه.ق در روستای ارقین در نزدیکی شهر قیدار به دنیا آمد (موسوی، ۱۳۵۲: ۶۷-۶۸). پس از اتمام دروس حوزه‌ی در نجف به زنجان بازگشت. زهد و دنیاگریزی به همراه تربیت طلاب موجب گرایش طبقات و گروه‌های مختلف زنجان به او گردید (محمدحسن بن ملاقنبر، ۱۳۰۸: ۹-۸). محکمه شرعی ملاقربانعلی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محکمه زنجان در عصر مشروطیت به شمار می‌رفت (زنجان، ۱۳۹۳: ۱۴۳-۱۴۴).

۲. میرزا ابوالمکارم موسوی در سال ۱۲۵۵ ه.ق در زنجان به دنیا آمد. پس از طی دروس مقدماتی به حوزه نجف عزیمت نمود و با ده سال اقامت به درجه اجتهاد رسید. پس از مرگ پدرش، محکمه شرعی و همچنین مسجد خاندانی میرزایی‌ها را در بازار پایین زنجان به ارث برد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶: ۱۲۳؛ محسن اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۳). با توجه به تعداد اسناد و قبایله‌های مهمور به دست‌آمده پیرامون محاکم شرعی زنجان، محکمه او از بزرگ‌ترین محاکم شرعی زنجان، بیشتر محل رجوع گروه‌های شهری بود (رضایی، ۱۳۹۸: ۲۸-۲۹).

میرزاابراهیم، نایب‌الصدر و نظام‌العلماء (زنجان عصر قاجار «پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی»، ۱۳۸۹: شماره ۴۲). با مروری براسامی اعضای انجمن ولایتی، امام‌جمعه زنجان میرزا ابوالفضایل و نیز روحانی بزرگی چون ملاقربانعلی مورد مشورت قرار نگرفتند و انتخاب اعضای انجمن ولایتی بدون حضور این خاندان‌های تازه وارد در جامعه شهری زنجان انجام گرفت. به ادعای شیخ ابراهیم زنجانی، انتخابات بدون یک رأی مخالف با پیروزی او به پایان رسید و انتخاب نماینده دوم نیز به زنجانی سپرده شد. گروه‌های مخالف مشروطه به رهبری ملاقربانعلی و حکمران زنجان نیرالممالک ناخشنود از نتیجه انتخابات بودند، اما پس از اعتراض مردم مجبور به پذیرش نمایندگی زنجانی شدند (زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

میزان آرای انتخابات (بدون مخالف) و در مقابل مخالفت‌های عناصر پرنفوذ، ابهامی پیرامون نتایج آن ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد در صورت درستی ادعای زنجانی، این انتخابات توسط اعضای انجمن ولایتی انجام گرفته بود و خاندان‌های رقیب و شخصیت‌های متنفذی چون ملاقربانعلی با مشاهده نادیده گرفته شدن از سوی خاندان‌های شهری، مشارکتی در برگزاری و رأی دادن نکردند و در ادامه با ارتباط با مراکز ضد مشروطه، به مقابله با خاندان‌های شهری برخاستند.

تأسیس انجمن اسلام، مقابله با علمای شهری

و مشروطه‌خواه

با تأسیس انجمن ولایتی، ملاقربانعلی برخلاف واژه «متوقف» که به جواییه استفتایی پیرامون مشروطیت داده بود (محسن‌اردبیلی، ۱۳۸۲: ۳۱۳)، به مخالفت با آن برخاست. روزنامه حبل‌المتین تهران تأخیر مجلس در تصویب نظام‌نامه انجمن‌ها را که موجب سردرگمی اعضا و اختلاف در نحوه اجرا و مسئولیت‌ها شده بود، از علل این مخالفت‌ها دانست (روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۳، ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، ص ۴). مخالفت‌های ملاقربانعلی با توجه به روابط با کانون‌های ضد مشروطه و رقابت با علمای زنجان ایجاد شد. برخلاف برخی باورهای عامه در گوشه‌گیری و خانه‌نشینی ملاقربانعلی، او با مراکز ضد مشروطه تهران و تبریز ارتباط داشت. براساس خاطرات زنجانی، ولیعهد به او و حاکم زنجان توصیه بر تأسیس انجمن اسلام در مقابل انجمن ولایتی کرده بود (زنجانی، ۱۳۹۳: ۲۲۹-۲۳۰). به عقیده کسروی «چون مشروطیت با دستگاه ملاقربانعلی نمی‌ساخت، ناگزیر به این دشمنی

و طرفدارانش با اقدام وزیرهمایون در تأسیس مدارس نوین مخالفت کردند که در مقابل میرزا ابوالمکارم به حکمران نزدیک شد. اندکی بعد علمای شهری به رهبری میرزا ابوالمکارم در مقابل فتوی معروف استفاده از گرامافون توسط ملاقربانعلی به مخالفت برخاستند (مترجم‌همایون، ۱۳۴۶: ۲۲؛ زنجان عصر قاجار «پژوهش در اسناد میرزا ابوالمکارم»، ۱۳۸۹: شماره سند ۲۱). مسئله رقابت‌های سیاسی در قالب تصدی مشاغل دیوانی چون نایب‌الحکومه و داروغه در زنجان، مورد دیگر برای اختلاف‌ها بود (سالور، ۱۳۷۴: ۱۵۶۲/۲). این رقابت‌ها با مسائل اقتصادی برای تصاحب تولیت مسجد جامع توسط علمای شهری (همان: ۱۵۹۵) و رقابت‌های خوانین ذوالفقاری و امیرافشار بر سر تصاحب املاک روستای و ایلی یکدیگر، بر دامنه ناسازگاری‌ها افزود (اختلاف بر سر قراء اطراف خمسه، سازمان اسناد ملی، شماره سند ۲۱۵۳/۰۰۲۹۸). در این میان طبقه فرودست شهری، ایلی و روستایی با تبعیت از ارباب و یا تأسی و تقلید به روحانی مورد نظر، علاوه بر اجرای اوامر عناصر فرادست، زیان‌های جبران ناپذیری متحمل شدند.

زنجان با این سیاست‌گذاری‌های دولت قاجاریه و وضعیت طبقات و گروه‌های اجتماعی وارد رخدادهای عصر مشروطه شد.

انجمن ولایتی زنجان پایگاه اشرافیت فقهاتی کهن و

گروه‌های تجددخواه

اخبار رخدادهای مشروطیت اوایل پاییز ۱۳۲۴ ه.ق به زنجان رسید و مشروطه‌خواهان با وجود مخالفت‌های ملاقربانعلی مجمعی را تشکیل دادند. اندکی بعد در جلسه هم‌اندیشی تصمیم به ارسال نامه‌ای برای ارتباط و همکاری با مشروطه‌طلبان تهران گرفته شد (مطلب زنجانی، ۱۳۵۰: ۳۷-۳۸). با اعطای مشروطیت و ضرورت تأسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی جهت برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی، گروه‌های مختلف زنجان به تکاپو افتادند. خاندان‌های شهری چون میرزا ابوالمکارم موسوی، محمد مجتهد موسوی، نایب‌الصدر فرزند شیخ‌الاسلام و امین‌التجار انجمن ولایتی را تأسیس کردند (روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۵، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، صص ۳-۴). انجمن زنجان به مانند سایر مراکز مهم، پیش از تصویب قانون انجمن‌ها در مجلس تشکیل شد و عده اعضای آن ۹ نفر تعیین گردید. رئیس انجمن ولایتی میرزا ابوالمکارم بود و اعضای دیگر آن عبارت بودند از: میرزا عبدالله، سید محمد، میرزامهدی، شیخ احمد، شیخ ابراهیم زنجانی،

مذاکرات مجلس اول، ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: جلسه ۱۱۲). در این برهه انجمن ولایتی در تلاش برای راه‌یابی مقبل‌لشکر نماینده دیگر انجمن به مجلس بود. این رقابت‌های انتخاباتی با تغییر حکمران اوضاع زنجان را بحرانی نمود.

حکمرانی سعدالسلطنه در زنجان، نادیده گرفتن

موازنه قدرت‌های محلی

در ماه ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ه.ق پس از عزل نیرالممالک، سعدالسلطنه به حکومت زنجان منصوب شد (مذاکرات مجلس اول، ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۵: جلسه ۱۱۲). اندکی بعد اعضای انجمن ولایتی در محل دارالحکومه با حاکم جدید دیدار کردند. نزدیکان ملاقربانعلی نیز در اولین ملاقات به بیان عواقب همکاری سعدالسلطنه با مشروطه‌خواهان پرداختند (مطلب زنجان، ۱۳۵۰: ۳۸).

با ضرورت انتخاب نماینده دوم زنجان در مجلس شورای ملی، ماه‌های ابتدایی ۱۳۲۵ ه.ق رقابت دو انجمن برای تأیید صلاحیت نماینده مورد نظرشان آغاز شد. در اقدامی هماهنگ حامیان ملاقربانعلی مجلس را تحت فشار قرار دادند و ابوطالب سلطانیه نیز با درج مقاله در روزنامه به انتقاد از ظلم و ستم اعضای انجمن ولایتی بر اهالی زنجان پرداخت (روزنامه صبح‌صادق، سال اول، شماره ۱۱۰، ۱۱ رجب ۱۳۲۵، ص ۴؛ روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۵، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، صص ۳-۴). در راستای فشار بر مجلس برای تأیید اعتبارنامه نماینده ملاقربانعلی، ۲۱ ماه ربیع‌الاول بازار زنجان با ایجاد آشوب تعطیل شد و تجار ۱۵ روز در تلگراف‌خانه شهر تحصن کردند (مذاکرات مجلس اول، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: جلسه ۸۶). در مقابل مشروطه‌خواهان با طرح رخدادهای زنجان توسط شیخ ابراهیم زنجان در مجلس و با ارسال تلگراف از زنجان به مجلس واکنش نشان دادند (همان، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: جلسه ۹۲).

موضوعی که حوادث زنجان را بحرانی‌تر از گذشته کرد، تقابل سعدالسلطنه با ملاقربانعلی بود. سعدالسلطنه با مجاهدان مشروطه تهران همکاری داشت (ظهیرالدوله، ۱۳۶۷: ۲۷۳/۱) و با سوايق مخالفت نسبت به تقاضای علمای زنجان در آزادی طلبه‌های تبعیدی در اردبیل (کرمانی، ۱۳۹۲: ۲۳۴/۱) و مقابله با نفوذ و اقتدار حاجی‌خامی مجتهد متنفذ رشت (فخرایی، ۱۳۵۳: ۳۰-۳۱) که در دوران حکمرانی بر این شهرها روی داده بود، تصمیم به مقابله با اقدامات حامیان ملاقربانعلی گرفت. بهانه لازم با ضرب‌وشتم یکی از مأموران حکومتی توسط نزدیکان ملاقربانعلی به‌دست آمد.

شد» (کسروی، ۱۳۸۴: ۸۰). دستگاه ملاقربانعلی در سال‌های پیش از مشروطه، مهم‌ترین محکمه شرعی زنجان بود که در مقابل خاندان‌های بانفوذ شهری چون موسوی و شیخ‌الاسلام ایجاد شد. در آستانه مشروطه مسائل فرهنگی (خاستگاه و تبار علما) و اقتصادی (تولیت مسجد جامع) زمینه‌های مهمی در ایجاد اختلاف‌ها بود. در سال‌های پیش از مشروطه علما بر سر تولیت مسجد جامع با یکدیگر اختلاف داشتند. خاندان‌های شهری با علمایی چون میرزا ابوالمکارم و میرزا ابوطالب موسوی (محسن اردبیلی، ۱۳۷۹: ۹-۱۰) و نایب‌الصدر فرزند شیخ‌الاسلام زنجان در رقابت با میرزا ابوالفضایل نواده سید محمد سیردانی قرار گرفتند. در این بین ملاقربانعلی مجتهد قدرتمند شهر با توجه به خاستگاه روستایی و مشاهده جبهه‌گیری علمای شهری برای حذف علمای هم‌تبار، به جانبداری از خاندان امام‌جمعه برخاست. در مقاطعی خاندان‌های شهری با عزیمت امام‌جمعه به عتبات برای ادامه تحصیل، تولیت مسجد جامع را به میرزا ابوالمکارم واگذار کردند، اما ملاقربانعلی توسط طلاب هوادارش مأموران میرزا ابوالمکارم را از مسجد بیرون کرد (سالور، ۱۳۷۴: ۴۹۹/۲). در ادامه میرزا ابوطالب موسوی طی نامه‌ای تولیت امام‌جمعه را بر مسجد جامع باطل نمود که دوباره ملاقربانعلی با استفتاء خاندان امام‌جمعه از او، طی فتوا این ترفند اشرافیت کهن شهری را خنثی کرد (اسناد خاندان امام‌جمعه، ۱۳۹۹: اسناد دفتر آیت‌الله حسینی). مسئله تولیت مسجد جامع تا سال‌های پس از مشروطه، محل نزاع علما و یکی از مسائل حل‌نشده وزارت معارف و اوقاف باقی ماند و شیخ ابراهیم زنجان از مسئولان این وزارتخانه با توجه به نزدیکی به خاندان‌های شهری چون موسوی در جبهه مخالف خاندان امام‌جمعه قرار گرفت (اسناد موقوفات مسجد جامع دار، سازمان اسناد ملی، شماره سند ۱۶۷۸۷/۰۲۵۰). علاوه‌بر روابط ملاقربانعلی با ولیعهد در تبریز، رقابت‌های علما که حاصل سیاست‌های درازمدت حکومتگران قاجاریه در زنجان بود، تأثیر مهمی بر رقابت‌های سیاسی عصر مشروطه در زنجان گذاشت، چون خاندان‌های شهری با سابقه حضور چند صدساله در زنجان، راضی به همکاری و هم‌طرزایی با علمای تازه از راه رسیده روستایی نشدند.

با تأسیس انجمن اسلامی، جلسات این انجمن با اجازه از ملاقربانعلی در مسجد جامع زنجان که تحت تولیت امام‌جمعه قرار داشت، تعیین گردید و ابوطالب سلطانیه از سوی ملاقربانعلی بدون برگزاری انتخابات به‌عنوان نماینده دوم راهی مجلس شد (روزنامه انجمن تبریز، سال اول، شماره ۱۴۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵، ص ۳؛

جهت عذرخواهی گردید (سپهر، ۱۳۸۶: ۶۸۶/۲) دوم اینکه برخی از اعضای انجمن ثبات قدم در پیگیری آرمان‌های مشروطه را نداشتند و به دنبال رقابت‌های خاندانی و منافع شخصی بودند. رئیس انجمن میرزا ابوالمکارم اهل مبارزه و ایجاد سازمان نبود. زنجانی او را «فردی آرام، به دور از جنجال و آشوب» توصیف کرده است (زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۸۸-۱۸۹). از اعضای برجسته انجمن ولایتی، نایب‌الصدر فرزند شیخ‌الاسلام سیاست‌های خاندانی و منافع شخصی را به عقیده و مرام سیاسی ترجیح داد. او با برتری موقعیت ملاقربانعلی به جبهه مخالفان پیوست (روزنامه ایران نو، سال اول، شماره ۲۳، ۴ رمضان ۱۳۲۷، ص ۳؛ توصیه تبعید نایب‌الصدر، سازمان اسناد ملی: شماره سند ۲۹۰/۲۶۳۸). نکته سوم وجود شبکه فعال و گسترده رهبران مخالف مشروطه در نقاط مختلف کشور بود. به گفته تقی‌زاده: «قوام‌الملک در شیراز، حاجی آقا محسن در اراک و ملاقربانعلی در زنجان عوامل این شبکه‌ها بودند» (تقی‌زاده، ۱۳۵۰: ۱۱۷). دربار و دولت قاجار نیز در صد یاری به این شورش‌ها و حمایت از عناصر مهم بودند. کامران میرزا وزیر جنگ کابینه امین‌السلطان در کنار درباریان با رئیس فوج زنجان مظفردوله از طرفداران ملاقربانعلی در ارتباط بود و به او یاری می‌رساند. مظفردوله نیز با داشتن اصالت شهری که می‌بایست در جناح انجمن ولایتی قرار می‌گرفت، با توجه به این وابستگی به دربار قاجاریه و شغل نظامی‌گری خود و اجدادش، به دولت قاجاریه و نظم کهن وابستگی و تعلق خاطر داشت که در نتیجه همکار و هم‌فکر با ملاقربانعلی گردید (مذاکرات مجلس اول، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: جلسه ۸۶؛ روزنامه صبح صادق، سال اول، نمره ۱۱۰، ۱۱ رجب ۱۳۲۵، ص ۴). مجلس شورای ملی و دولت مشروطه چهارمین نکته در بررسی است. نمایندگان مجلس میزان نفوذ و روابط گروه‌های زنجان را با یکدیگر نادیده گرفتند. در زنجان اغلب گروه‌های فرادست از طریق ازدواج‌های بین خاندانی به یکدیگر وابسته بودند. اسعدالدوله از خوانین مهم زنجان که با مخالفان مشروطه شهر روابط خویشاوندی داشت و مأمور دولت در بررسی مسائل بود، در جلسه احضار از سوی نمایندگان مجلس با بیان تعقیب عوامل ناامنی‌های زنجان و آرامش اوضاع در منطقه، نمایندگان مجلس را قانع نمود (مذاکرات مجلس اول، ۲۴ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: جلسه ۱۱۵)، اما دو ماه بعد شیخ ابراهیم زنجانی طی گزارشی به مجلس از فعالیت دوباره مخالفان مشروطه در زنجان خبر داد که بر شهر تسلط داشتند (همان، ۱۷ رجب ۱۳۲۵: جلسه ۱۳۵). در این بین دولت مشروطه با نادیده گرفتن سوابق حکمرانی اسعدالسلطنه در دیگر شهرها، با اعزام او به زنجان

مقصرین پس از دستگیری تنبیه شدند، اما حکمران را تهدید به تلافی کردند. تهدیدها با تحریک ملاقربانعلی تداوم یافت و به دستور او، مریدان با حمله به دارالحکومه، اسعدالسلطنه را پس از ضرب‌وشتم از شهر اخراج کردند (حاجی‌وزیر زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۹۱؛ کسروی، ۱۳۸۳: ۴۰۵-۴۰۶). باید افزود خوانین متنفذی چون جهان‌شاه خان امیرافشار بنا به تنش‌های گذشته با اسعدالسلطنه در مسائلی چون مأموریت دو نفره برای دستگیری اشترار ایل افشار، ممانعتی از این اقدام نکردند (حاجی‌وزیر زنجانی، ۱۳۸۹: ۴۰۵-۴۰۶؛ همکاری جهان‌شاه با اسعدالسلطنه، سازمان اسناد ملی: شماره سند ۲۹۵/۶۱۳۳). در این شدت برخورد با اسعدالسلطنه، انتخابات مجلس که به نفع مشروطه‌خواهان در جریان بود را نباید نادیده گرفت. بعد از پیروزی مشروطه و تشکیل انجمن ولایتی، برای نخستین بار عده‌ای در مقابل زیاده‌خواهی‌های ملاقربانعلی ایستادگی کردند. در نتیجه قتل حاکم زنجان واکنش تند ملاقربانعلی به کاهش اقتدار دینی در میان طبقات مختلف به واسطه فعالیت‌های مشروطه‌خواهان بود.

قتل اسعدالسلطنه مجلس را تحت تأثیر قرار داد و این موضوع سرانجام به نفع انجمن ولایتی تمام شد. در جلسه مجلس با خواندن نامه انجمن ولایتی بر علیه ابوطالب سلطانی، نمایندگان با توجه به دلایل و شواهد ارائه شده، ضمن رد اعتبارنامه نماینده ملاقربانعلی، صلاحیت مقبل لشکر نماینده دوم انجمن ولایتی را تأیید کردند (مذاکرات مجلس اول، ۱۸ جمادى‌الاولی ۱۳۲۵: جلسه ۱۱۲).

با شکست مخالفان مشروطه در انتخابات مجلس شورای ملی، ناامنی‌های زنجان شدت یافت. حامیان ملاقربانعلی به انجمن ولایتی حمله کردند. انجمن ولایتی در مقابل این حمله‌ها با ارسال نامه به مجلس، ضرورت اقدام عملی در دفع غائله ملاقربانعلی و برادرزاده‌اش را خواستار شد (روزنامه مجلس، سال اول، شماره ۱۲۸، ۲۱ جمادى‌الاول ۱۳۲۵، صص ۱-۲). دو روز پس از این تلگراف، مخالفان مشروطه با ایجاد درگیری و بستن دفتر انجمن ولایتی، اعلامیه‌ای مبنی بر مشروعیت نداشتن مجلس شورای ملی صادر کردند (مذاکرات مجلس اول، ۲۴ جمادى‌الاول ۱۳۲۵: جلسه ۱۱۵).

در ناکامی‌های حاکم زنجان و انجمن ولایتی عوامل داخلی و خارجی محل بررسی است. نخست اسعدالسلطنه با نادیده گرفتن موازنه روابط با عناصر قدرت در زنجان و برخلاف رویه حکمرانان گذشته چون احتشام‌السلطنه و وزیرهمایون، موجب مرگ خویش شد. پیش از او یک‌بار وزیرهمایون با شکستن بست‌نشینی یک شخص متهم به قتل، در منزل ملاقربانعلی، با واکنش تند طرفداران او مواجه شد که ناگزیر از عزیمت به خانه ملاقربانعلی

اغتشاش‌ها، ممانعت و مجازاتی در این باره نکرد. اقدامات امیرافشار نیز با توجه به روابط گذشته با سعدالسلطنه، اتخاذ موضع بی‌طرفی در جریان حوادث مشروطه و با ایجاد رابطه نزدیک با ملاقربانعلی که نامه‌هایی از او برای تصاحب اراضی اسعدالدوله در تهران و زنجان گرفته و فقط به فکر رقابت‌های ایلی و ظلم و ستم به مردم بود (اختلاف بر سر قراء اطراف خمسه، سازمان اسناد ملی، شماره سند ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳)، در اتخاذ این مواضع انجمن بی‌تأثیر نگردید. نتایج عملکرد دولت، مجلس و انجمن ولایتی پیرامون رقابت‌های خوانین زنجان نیز از احکام صادره فراتر نرفت. چون در دوره پهلوی زمین‌های مورد مناقشه دوباره محل ادعای نوادگان این خوانین قرار گرفت و منطقه را ناامن نمود (شکایت مالکین روستای خوئین از ذوالفقاری‌ها، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره سند ۰۲/۱۷۹۱۰/۰۰۰۱۵).

با سوء قصد به شاه در ماه‌های پایانی ۱۳۲۵ ه. ق و تحسن شیخ فضل‌الله نوری در حرم عبدالعظیم، مخالفت‌ها با بنیان‌های مشروطیت افزایش یافت و مانعی در پیش روی حکام مناطق مختلف برای اجرای قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایجاد گردید (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۱۲). حاکمان اعزامی نیز با توجه به غلبه هریک از جناح‌های متعارض در تهران به حکومت ولایات فرستاده می‌شدند. با به توپ بسته شدن مجلس توسط شاه در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ه. ق، مجدالسلطنه به حکمرانی زنجان منصوب شد. حاکم جدید از جمله مخالفان مشروطیت بود که اعزامش هراسی در دل مشروطه‌طلبان زنجانی انداخت، به طوری که برخی از آنان به ملاقربانعلی پیوستند (مطلب‌زنجان، ۱۳۵۰: ۴۰-۴۱).

با پیروزی شاه بر مشروطه‌طلبان و افزایش قدرت ملاقربانعلی، انجمن ولایتی در موضع ضعف قرار گرفت. این مسئله بر پاره‌ای از تصمیم‌ها و اقدام‌های مشروطه‌طلبان تبریز در زمان حمله قوای شاه به آذربایجان تأثیر گذاشت. در تبیین موضوع باید به روابط انجمن ولایتی زنجان با مراکز مشروطه‌خواهی اشاره کرد. انجمن زنجان برخلاف انجمن‌های مراکز مهمی چون رشت، اصفهان و تبریز، با سایر مراکز مشروطیت در ارتباط و هماهنگی نبود و همکاری لازم را برای پیشگیری و جلوگیری از حمله‌های صورت گرفته به تبریز به‌عنوان تنها پایگاه مقاومت در زمان حمله عین‌الدوله نکرد. انجمن ولایتی با این سستی و ناکارآمدی در اطلاع‌رسانی به موقع پیرامون حوادث زنجان، موجب تصور نادرست انجمن ایالتی تبریز از تحولات زنجان شد. مشروطه‌خواهان تبریز برخلاف واقعیت‌های سیاسی زنجان، امیدوار بر مقاومت ملاقربانعلی در زمان عبور قوای شاه از زنجان به تبریز بودند

در مقطع حساس منازعه‌های انتخاباتی و رقابت‌های جناح‌های قدرت، جز مرگ حاکم و پیروزی در انتخابات بی‌حاصل، نتیجه‌ای به نفع مشروطیت در زنجان تحصیل نکرد.

انجمن ولایتی زنجان در آزمون رقابت‌های اشرافیت ایلی و بسته شدن مجلس

با قتل سعدالسلطنه، فخرالملک با اندیشه‌های مشروطه‌خواهی به حکمرانی زنجان منصوب شد و فرزندش عزالمالک در جهت حمایت از مشروطه، هر هفته دو روز در انجمن ولایتی حاضر گردید (روزنامه ایران، سال شصتم، شماره ۱۱، ۱۷ شعبان ۱۳۲۵، ص ۳؛ روزنامه مجلس، سال دوم، شماره ۵۶، ۲۱ محرم ۱۳۲۶، ص ۳). در این برهه رقابت‌های خوانین زنجان - جهان‌شاه خان افشار و اسعدالدوله ذوالفقاری - بر سر تصاحب اراضی ایلی و روستایی یکدیگر با قتل و غارت اهالی و ساکنان این مناطق صورت گرفت و زنجان را در بحران جدید فرو برد. در صحن مجلس نیز احتشام‌السلطنه و سیدعبدالله بهبهانی به ترتیب در جانب‌داری از اسعدالدوله و امیرافشار به نزاع پرداختند (سالور، ۱۳۷۴: ۱۷۶/۳-۱۷۷؛ آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۳). انجمن ولایتی حمله‌های نیروهای امیرافشار و ذوالفقاری به مردمان ایلی و روستایی را به مجلس شورای ملی گزارش کرد و مجلس نیز با توجه به نامه‌های ارسالی از زنجان و شکایت‌های نمایندگان اعزامی ایل «دلاغرده» در صحن مجلس، تصمیم به رفع این غائله گرفت (مذاکرات مجلس اول، ۱۱ رمضان ۱۳۲۵؛ جلسه ۱۷۱؛ روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۱۷۸، ۲۷ شوال ۱۳۲۵، صص ۳-۴). به گفته زنجانی حمایت از عشایر و روستائیان زنجان دشمنی و انتقام خوانین را در پی داشت (مذاکرات مجلس اول، ۱۱ رمضان ۱۳۲۵؛ جلسه ۱۷۱)، اما اعضای انجمن ولایتی با آگاهی به این حقیقت، دوباره با ارسال نامه به انتقاد از خوانین پرداخت (روزنامه حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۱۸۹، ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۵، ص ۶). انجمن ولایتی در ادامه این حمایت‌ها با تقاضای انجمن طلاب تهران پیرامون داوری میان طرفین منازعه، به نفع طبقه فرودست رأی صادر کرد (همان، سال اول، شماره ۲۰۵، ۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۵، ص ۴). در تحلیل مواضع و نتایج تلاش‌های انجمن ولایتی به نفع طبقه فرودست، نخست به نظر می‌رسد باید رقابت‌های گذشته انتخاباتی و کشته شدن سعدالسلطنه را مورد توجه قرار داد. اسعدالدوله در جریان مأموریت برای بررسی حوادث زنجان با اهمال و چشم‌پوشی نسبت به دخالت برخی عناصر متنفذ در جریان

کردند (همان، شماره سند ۲۸)، اما بیشتر اعضای انجمن در نزاع‌ها و رقابت‌های محلی و خاندانی با یکدیگر بودند (همان، شماره سند ۲۷) و میرزا ابوالمکارم نیز با وجود التماس و خواهش عظیم‌زاده، تمایلی به همکاری نداشت (همان، شماره سند ۵۴).

با افزایش فعالیت‌های عظیم‌زاده در زنجان، طی یک جنگ شهری چند روزه در ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۷ ه.ق، او به همراه یارانش کشته شد (زنجانی، ۱۳۹۶: ۱ و ۱۱۳/۲). در تحلیل شکست مأموریت عظیم‌زاده و ناکامی تلاش‌های مجاهدان و بزرگان مشروطه در زنجان، سیاست‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های انجمن ولایتی زنجان محل بررسی است. پیرامون سیاست داخلی، رقابت‌های عناصر فرادست زنجان موجب ناکامی عظیم‌زاده در زنجان شد. عظیم‌زاده مدتی پس از حضور در زنجان، سخنرانی‌هایش را از مسجد میرزایی (وابسته به خاندان موسوی) به مسجد جامع شهر (محل اجتماع هواداران ملاقربانعلی) تغییر داد (روحانی، ۱۳۴۷: ۵۵). با این تغییر مکان و نشانه‌گرفتن محل اجتماع مخالفان مشروطه، بهانه برای یک درگیری شهری و سرانجام قتل عظیم‌زاده و یارانش فراهم گردید و هیچ‌یک از اعضای انجمن مساعدتی در جلوگیری از تنش‌ها و قتل عظیم‌زاده نکردند (کسروی، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۳؛ روحانی، ۱۳۴۷: ۵۵). تاکنون علت این تغییر مکان سخنرانی‌ها مشخص نشده است. روزنامه ایران نو به نقشه امام‌جمعه برای کشاندن عظیم‌زاده به مسجد جامع اشاره کرده است. امام‌جمعه با این اقدام درصدد تصاحب جعبه جواهرات خاندان میرزا عبدالله از یاران زنجانی عظیم‌زاده بود که پدر مجاهد زنجانی پیش از مرگ به امام‌جمعه جهت امانت سپرد (روزنامه ایران نو، سال اول، شماره ۹۵، ۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۷ ه.ق، صص ۲-۳). در این رابطه اسناد شکایت میرزا عبدالله از امام‌جمعه به عدلیه زنجان وجود دارد (زنجان عصر قاجار «پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی»، ۱۳۸۹: اسناد ۳۰-۳۲)؛ اما با توجه به مشی سیاسی امام‌جمعه در طرفداری از ملاقربانعلی و اجتماع مخالفان در مسجد تحت تولیتش، این رابطه با عظیم‌زاده و دعوت به سخنرانی در مسجد جامع پذیرفتنی نیست. برخی این تغییر رویه عظیم‌زاده را با پیشنهاد روحانی محافظه‌کار میرزا ابوالمکارم با ترفند حذف ملاقربانعلی در یک جنگ شهری بی‌ارتباط ندانستند (روحانی، ۱۳۴۷: ۵۵؛ باباصفری، ۱۳۹۶: ۱/۲۹۵)، موضوعی که اگرچه با مرگ عظیم‌زاده تحقق نیافت، اما چندماه بعد موجب حمله قوای دولت به زنجان و تبعید ملاقربانعلی از زنجان شد. بی‌تردید نقش رئیس انجمن ولایتی میرزا ابوالمکارم در این‌باره غیرقابل انکار است. در صورت پذیرفتن دخالت امام‌جمعه در این قضیه، او نیز

(روزنامه انجمن تبریز، سال سوم، نمره ۱۴، ۲۴ رمضان ۱۳۲۶، ص ۴). این ناکارآمدی انجمن ولایتی زنجان ماه‌های بعد در زمان محاصره تبریز با انتظار و چشم امید ستارخان به یاری از سوی قوای ملاقربانعلی تکرار شد (روزنامه حکمت، سال هفدهم، شماره ۹۲۲، ۱۵ شوال ۱۳۲۶، ص ۵). به نظر می‌رسد، انجمن ایالتی تبریز در صورت آگاهی از حوادث مشروطه زنجان که موقعیت مهمی در میانه راه تهران به تبریز داشت، پیش از جنگ و پس از آن می‌توانست تصمیم‌های به‌مراتب بهتری اتخاذ نماید، موضوعی که با ضعف و ناکارآمدی انجمن زنجان به ضرر مشروطه‌خواهان تبریز تمام شد.

قتل عظیم‌زاده در زنجان، تأثیر رقابت‌ها و منافع

خاندانی بر مرام مشروطه‌خواهی

اوضاع اجتماعی زنجان در ماه‌های میانی و پایانی ۱۳۲۶ ه.ق آرام بود. شیخ ابراهیم زنجانی پس از به توپ بسته شدن مجلس به قزوین فرار کرد (سالور، ۱۳۷۴: ۳۰۸/۵)، میرزا ابوالمکارم نیز خانه‌نشین شد و از دیگر اعضای انجمن ولایتی محمدمجتهد به دستور ملاقربانعلی در حصر خانگی قرار گرفت (رستمی، ۱۳۹۸: مصاحبه با محسن میرزایی). در اوایل ۱۳۲۷ ه.ق با مقاومت موفقیت‌آمیز مردم تبریز و پیوستن سپهدار تنکابنی به جبهه مشروطیت (کسروی، ۱۳۸۳: ۷۸۰)، مشروطه‌خواهان زنجان نیز دوباره به فعالیت پرداختند. در این رابطه هفتم ربیع‌الاول شیخ حسین جوقینی از شاگردان ملاقربانعلی به قتل رسید (موسوی، ۱۳۵۲: ۳۳۰). شاه نیز برای مقابله با افزایش قدرت مشروطه‌خواهان، سردار مسعود فرزند ظل‌السلطان را به حکومت زنجان فرستاد (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۲۰/۲).

با فتح قزوین توسط مجاهدان، سپهدار تنکابنی با نصب پرچم در معابر زنجان مشروطیت را برقرار کرد (شبییری‌زنجانی، ۱۳۹۷: ۶۴۶-۶۴۷). انجمن ولایتی زنجان نیز با همکاری احتشام السلطنه، بهرام میرزا و دعوت از میرزا ابوالمکارم برقرار شد (زنجان عصر قاجار «پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی»، ۱۳۸۹: شماره سند ۲۸). در ادامه سپهدار تنکابنی برای یاری به مشروطه‌خواهان، عظیم‌زاده را به‌همراه عده‌ای از مجاهدان روانه زنجان کرد (صفری، ۱۳۹۶: ۵۱۸/۳). او با ارسال نامه به میرزا ابوالمکارم، ضمن ناخرسندی پیرامون سستی اعضای انجمن در سال گذشته، آغاز فعالیت‌ها را خواستار شد (زنجان عصر قاجار «پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی»، ۱۳۸۹: شماره سند ۲۵). برخی از بزرگان مشروطه نیز با رسیدن عظیم‌زاده به زنجان، میرزا ابوالمکارم را به همکاری با انجمن ولایتی تشویق

میرزا ابوالمکارم از وساطت، میان‌روی و نصیحت فراتر نرفت (روزنامه مجلس، سال سوم، شماره ۲۹، ۱۵ رمضان ۱۳۲۷، ص ۲).
 با شورش‌های ایل شاهسون اردبیل در جهت حمایت از محمدعلی شاه و ضعف انجمن ولایتی در زنجان، برای برقراری مشروطه در این نواحی، دولت تصمیم به اعزام نیرو گرفت (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۶۳۳/۳). با توجه به عقیده پیرم نسبت به وخامت اوضاع زنجان، قوای مشروطه پیش از اردبیل راهی این شهر شد (روزنامه ایران نو، سال اول، شماره ۷۰، ۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، ص ۲).
 فعالیت‌های انجمن ولایتی در این برهه تحت تأثیر مسائل مختلفی بود. سیاست‌های اعضای انجمن در میان‌روی و پرهیز از درگیری، ارتباط مستقیمی با مراکز قدرت داشت. در این برهه یه‌عقیده روزنامه شمس، دولت روسیه و محمدعلی شاه با ملاقربانعلی و خوانین شاهسون در ارتباط و همکاری بودند. این موضوع بی‌تأثیر در فعالیت‌های طرفداران ملاقربانعلی نگردید و به‌نظر می‌رسد اعضای انجمن نیز بی‌اطلاع از این موضوع نبودند (روزنامه شمس، سال دوم، شماره ۱۷، ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۷، صص ۳-۴).
 آینده‌نگری سیاسی اعضای انجمن در جریان تصرف شهر و تلاش برای دستگیری ملاقربانعلی ادامه یافت. انجمن ولایتی با دارابودن قدرت برای تعقیب ملاقربانعلی، براساس رقابت‌های طبقاتی برای ریاست دینی شهر و امکان بازگشت شاه و در نتیجه حضور دوباره ملاقربانعلی، درخواست فوری بازداشت و تبعید ملاقربانعلی را نمود (روزنامه مجلس، سال سوم، شماره ۱۵، ۷ شعبان ۱۳۲۷، ص ۲؛ روزنامه ایران نو، سال اول، شماره ۷۴، ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۷، صص ۱-۲).

وابستگی طبقه فرادست زنجان به یکدیگر بر فعالیت‌های انجمن ولایتی تأثیر مستقیمی گذاشت. این نزدیکی با ازدواج عناصر پرنفوذی چون سیدمحمد مجتهد از اعضای انجمن با خواهر امام‌جمعه مشروعه‌خواه (اسناد خاندان امام‌جمعه، ۱۳۹۹: اسناد دفتر آیت‌الله حسینی)، موجب برخی سیاست‌های طبقاتی در جریان محاکمه شورشیان زنجان شد. میرزا ابوالمکارم عموزاده سیدمحمد مجتهد اگرچه پیش از حمله به زنجان خواستار بخشودگی در جرائم طبقات مختلف گردید (روزنامه مجلس، سال سوم، شماره ۱۵، ۷ شعبان ۱۳۲۷، ص ۲)، اما به موازات ابتدال دولت مشروطه در تبعیض بر نحوه اجرای مجازات با اخذ جریمه و تبعید برخی از عناصر فرادست (توصیه تبعید نایب‌الصدر و سایرین، سازمان اسناد ملی، شماره سند ۲۶۳۸/۲۹۰؛ روزنامه ایران نو، سال اول، شماره ۷۰، ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۷، ص ۲)، اقدامی جهت جلوگیری از این مسئله و همچنین اعدام گروه‌های فرودست شهری چون الواط و

با توجه به جایگاه خاندانی و علمی، توان ممانعت از بروز تنش و همچنین جنگ شهری را داشت، اما عظیم‌زاده قربانی منافع عناصر فرادست زنجان گردید و با وجود خواهش از میرزا ابوالمکارم برای همکاری، بدون حمایت و پشتیبانی از سوی انجمن ولایتی کشته شد. از بعد سیاست‌های فرمانطقه‌ای، بیشتر عناصر فرادست زنجان با سابقه سکونت چند صدساله که دارای اراضی غنی کشاورزی و ایلی بودند، منافع خاندانی و سود و زیان سیاست‌هایشان را در نظر گرفتند. در این راستا میرزا ابوالمکارم با سیاست انزوا و خانه‌نشینی و بی‌توجه به درخواست‌های مجاهدان مشروطه و خواهش‌های عظیم‌زاده، به انتظار نبرد نهایی در تهران و پیروزی جناح‌های متخاصم در ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق نشست.

فتح تهران، سیاست‌های طبقاتی و تغییر در مشی

سیاسی

موفقیت‌های مشروطه‌طلبان اوضاع را در بسیاری از نواحی مختلف کشور تغییر داد، اما در زنجان با قتل عظیم‌زاده و ضعف انجمن ولایتی، ملاقربانعلی همچنان در موضع قدرت باقی ماند. میرزا ابوالمکارم نیز با مشاهده فتح تهران خواستار تعیین حکمران باکفایت شد (جواییه سپهدار اعظم وزیر جنگ به میرزا ابوالمکارم پیرامون اغتشاشات زنجان، ۱۳۲۷، ق: اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان). با برقراری دولت مشروطه، وزیر داخله ضمن توصیه به عناصر منتفذ زنجان برای حمایت از مشروطه، تصمیم به اعزام معین‌الدوله گرفت (زنجان عصر قاجار «پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم موسوی»، ۱۳۸۹: شماره سند ۳۸)؛ اما معین‌الدوله با بررسی اوضاع از حکمرانی امتناع می‌کرد (سالور، ۱۳۷۴: ۹۸/۴). در این بین با توجه به حوادث تهران، قدرت مشروطه‌خواهان زنجانی نیز بیشتر گردید، به طوری که در نیمه ماه رمضان یکی از حامیان شاه مخلوع به جرم توزیع اعلامیه بر علیه مشروطه دستگیر شد (روزنامه حکمت، سال ۱۸، شماره ۴، ۱۵ رمضان ۱۳۲۷ ه.ق، ص ۳).

برخلاف پیروزی مجاهدان مشروطه در تهران، حامیان ملاقربانعلی در زنجان از هرگونه تلاش خودداری نکردند. ملاقربانعلی نیز برای جنگ احتمالی پیش روی با مشروطه‌خواهان، از خوانینی چون اصلان‌الملک، اصلان‌الدوله و اصلان‌السلطان در غرب زنجان یاری خواست (روزنامه شرق، شماره ۶، ۲۴ رمضان ۱۳۲۷، ص ۳). در اواخر این ماه با دستور ملاقربانعلی به خانه‌های ارامنه مشروطه‌خواه حمله شد؛ اما واکنش رئیس انجمن ولایتی

مواضع انفعالی و عاقبت‌طلبی اعضای انجمن، نشانه‌ای از واقعیت‌های سیاسی زنجان و دشواری‌های سیاسی و اجتماعی در راه استقرار مشروطیت و نهادهای برآمده از نظام سیاسی جدید در این ولایت مهم بود.

علاوه بر سیاست‌های قاجاریه در ایجاد گروه‌های جدید فرادست که زنجان را تا مدت‌ها پس از مشروطه آبستن حوادث مختلفی نمود، عواملی چون نادیده گرفتن موازنه در روابط با قدرت‌های محلی توسط سعدالسلطنه، الویت بخشی بر منافع خاندانی و رقابت‌های طبقاتی به‌جای پیگیری خواسته‌ها و اهداف مشروطیت، سستی و ناکارآمدی در ایجاد رابطه با مراکز مهم مشروطه تهران و تبریز، ناکامی‌های دولت‌های عصر مشروطه و مجلس شورای ملی از فهم ساختار و موقعیت اجتماعی و سیاسی عناصر قدرت در زنجان، سیاست‌های طبقاتی به‌واسطه پیوندهای خاندانی و منافع گروهی در اعمال مجازات مجرمان حوادث، ناتوانی اعضای انجمن در درک و فهم منطق مناسبات در نظام سیاسی مشروطه و تأثیر رویدادهای سیاسی تهران و تبریز به‌عنوان پایگاه‌های اصلی مشروطیت، از دلایل ناکامی انجمن ولایتی زنجان در عصر مشروطیت بودند.

نظامیان قشون خمسه نکرد. میرزا ابوالکارم اندکی بعد در تلاش برای برقراری حقوق امام‌جمعه که بر اثر دخالت در کشتار مشروطه‌خواهان قطع شده بود، با ارسال نامه و تأیید بی‌طرفی امام‌جمعه در حوادث مشروطه زنجان، ناکامی دیگری بر کارنامه مشروطه‌خواهی زنجان افزود (توقیف حقوق امام‌جمعه زنجان، سازمان اسناد ملی، شماره سند ۱۴۶۸۰/۲۴۰). علاوه بر سیاست‌های طبقاتی و روابط خویشاوندی، به‌نظر می‌رسد میرزا ابوالکارم با این حمایت، منتی بر خاندان رقیب امام‌جمعه در جامعه شهری زنجان گذاشت. در سال‌های پس از مشروطه این پیوندهای سببی و نسبی موجب رعایت و چشم‌پوشی در برخی رقابت‌ها شد. به‌طوری که پس از مرگ امام‌جمعه در جریان نزاع و جدال دوباره بر سر تولیت مسجد جامع زنجان، سیدمحمد مجتهد دایی امام‌جمعه جدید زنجان با تحریک طلاب مسجد بر علیه گروه‌های رقیب، به حمایت از خواهرزاده‌اش برخاست (اسناد موقوفات مسجد جامع دارا، سازمان اسناد ملی، شماره سند ۱۶۷۸۷/۰۱۶۲۵۰).

رقابت‌ها و سیاست‌های طبقاتی عناصر فرادست زنجان در عصر مشروطه که تا سال‌های پس از آن ادامه یافت، نشان از فهم ناچیز گروه‌های نفوذ از مشروطیت و آرمان‌ها و اهداف آن داشت.

نتیجه

انجمن‌های ایالتی و ولایتی بنا بر ضرورت‌های مشروطه در برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی، نظارت بر فعالیت کارگزاران حکومتی و حمایت از طبقه فرودست تشکیل شدند. در زنجان سیاست‌های قاجارها با ایجاد طبقه فرادست فقهی و ایلی در مقابل عناصر سنتی جامعه، تا دوره پهلوی موجب نزاع‌ها و درگیری‌های فراوانی شد. رخدادهای مشروطه زنجان و نهادهای برآمده از آن، تأثیری مستقیم از این سیاست‌ها پذیرفتند. انجمن ولایتی و در مقابل آن انجمن اسلامی، برآمده از منازعه‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی علما از گذشته تا مشروطیت بود. انجمن ولایتی زنجان با طیفی از گروه‌های سنتی جامعه فرادست زنجان، با نادیده گرفتن عناصر جدید منتقد، موجب رقابت‌ها و درگیری‌های فراوانی شد که بر ناکامی این نهاد مشروطه در زنجان تأثیر مهمی گذاشت. این نهاد در انتخابات مجلس و رقابت‌های خوانین با حمایت از طبقه فرودست به موفقیت رسید؛ اما میانه‌روی و بی‌اعتنایی در جریان قتل سعدالسلطنه حاکم زنجان و پیگیری نکردن خواسته‌های طبقه فرودست که موجب منازعه تا دوره پهلوی گردید، به دستاوردهای نخستین خدشه وارد آورد. بی‌طرفی اعضای انجمن ولایتی در حوادث مهمی چون قتل سعدالسلطنه و عظیم‌زاده، با نمایان‌ساختن

اسناد

- اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان (۱۳۲۷ق). *جوابیه سپه‌دار اعظم وزیر جنگ به میرزا ابوالکارم پیرامون اغتشاشات زنجان*. ۱۰ رجب.
- اسناد خاندان امام جمعه زنجان (۱۳۹۹). زنجان: دفتر آیت‌الله حسینی زنجانی.
- اسناد نامه‌های علما (۱۳۹۹). مشهد: آرشیو حسین موسوی زنجانی.
- سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۰۷ق). *همکاری جهان‌شاه و سعدالسلطنه جهت دستگیری اشترار متجیل*. شماره سند ۲۹۵/۶۱۳۳.
- _____ (۱۳۱۵-۱۳۲۵ق). *اختلاف بر سر قراء اطراف خمسه*. شماره سند ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳.
- _____ (۱۳۲۹ق). *توصیه تبعید نایب‌الصدر، مظفرالدوله، نظام‌العلماء و امام‌جمعه*. شماره سند ۲۹۰/۲۶۳۸. شناسه بازیابی ۱۲/۱/۲۶۳۸.
- _____ (۱۳۳۲-۱۳۳۹ق). *توقیف حقوق میرزا ابوالفضایل امام جمعه زنجان*. شماره سند ۲۴۰/۱۴۶۸۰. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۴۵۴۰.
- _____ (۱۳۳۰-۱۳۳۹ق). *اسناد موقوفات مسجد جامع دارا*. شماره سند ۲۵۰/۰۱۶۷۸۷.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۲۲). *شکایت مالکین روستای خوئین از ذوالفقاری‌ها*. شماره سند ۰۲/۱۷۹۱۰/۰۰۰۱۵.

روزنامه‌ها

- روزنامه انجمن تبریز* (۱۳۷۴). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی. جلد ۱. سال اول. شماره ۱-۱۴۹.
- _____ (۱۳۷۴). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. جلد ۲. سال سوم. شماره ۱-۴۶.

ظهیرالدوله، علی‌خان (۱۳۶۷). *خاطرات و اسناد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: زرین. جلد ۱.

کتاب *آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*. (۱۳۶۳). به کوشش احمد بشیری. تهران: نو. جلد‌های ۱ تا ۳. چاپ دوم.

کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۹۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*. تهران: پیکان. جلد ۱ و ۲.

کسروی، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر. چاپ بیست‌ویکم.

_____ (۱۳۸۴). *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*. تهران: امیرکبیر. چاپ سیزدهم.

گراتوسکی، ادوین آریدویچ و همکاران (۱۳۸۶). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: مروارید.

محمدحسن بن ملاقتیر (۱۳۰۸). *شرح علمای زنجان در عصر قاجار «نسخه خطی»*. زنجان: دفتر آیت‌الله حسینی‌زنجانی.

مستوفی، عبدالله (۱۳۴۸). *شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. تهران: زوار. دوره سه جلدی.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. (۱۳۹۳). *مذاکرات دوره اول تا بیست‌وچهارم*. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ملک‌آرا، عباس میرزا (۱۳۶۱). *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: نشر بابک.

موسوی، ابراهیم (۱۳۵۲). *تاریخ علما و دانشمندان زنجان*. تهران: مصطفوی.

مصاحبه

مصاحبه با محسن میرزایی. انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۳۹۸/۱۱/۲.

مقالات

تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۵۰). «از یادداشت‌های تقی‌زاده: اشخاصی که در مشروطیت سهمی داشتند»، *نیما*. سال ۲۴، شماره مسلسل ۲۷۲، شماره دوم، ص ۶۵-۷۰.

خارابی، فاروق (۱۳۷۹). «نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطیت»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۶، ص ۶۳-۹۰.

«زنجان عصر قاجار، پژوهشی در اسناد میرزا ابوالکارم موسوی زنجانی» (۱۳۸۹)، به کوشش محمدرضا بهزادی *تاریخ معاصر ایران*. شماره ۵۴ و ۵۳، ص ۲۷۷-۳۶۵.

رنجبر، محمدعلی و نورالله عبداللهی (۱۳۹۶). «انجمن ملی اصفهان و فداپیمان مجلس در مشروطه اول»، *پژوهش‌های تاریخی*. سال نهم، شماره ۲، ص ۱۸۹-۲۰۵.

قدیمی‌قیداری، عباس (۱۳۹۹). «نظام‌نامه انتخابات و انتخابات نخستین دوره مجلس شورای ملی در آذربایجان»، *جامعه‌شناسی تاریخی*. دوره ۱۲، شماره ۱، ص ۱۸۱-۲۰۴.

قدیمی‌قیداری، عباس و مرتضی شهبواری (۱۳۹۷). «انجمن ایالتی تبریز: تغییر الگوی مدیریت شهری»، *تاریخ اسلام و ایران*. سال ۲۸، شماره ۳۷، ص ۱۲۵-۱۴۷.

مترجم‌همایون، علی‌محمد (۱۳۴۶). «فتوای ملاقریانعلی درباره نخستین گرامافون و مدرسه جدید»، *مجله خواندنی‌ها*. سال ۲۸، شماره ۳۶، ص ۲۱-۲۲.

محسن‌اردبیلی، یوسف (۱۳۷۹). «خاندان میرزایی»، *فرهنگ زنجان*. سال اول، شماره دوم، ص ۹-۴۸.

_____ (۱۳۸۲). «نامه‌های وارده: نقدی بر مقاله شیخ ابراهیم زنجانی»، *تاریخ معاصر ایران*. شماره ۲۸، ص ۳۱۱-۳۲۱.

مطلب‌زنجانی (۱۳۵۰). «انقلاب زنجان»، *خاطرات وحید*. سال نهم، شماره ۱، ص ۳۷-۴۰.

موسوی‌میرزایی، کاظم (۱۳۲۶). «مرحوم میرزا ابوطالب موسوی و برادر ایشان»، *یادگار*. سال سوم، شماره ششم و هفتم، ص ۱۳۱-۱۳۴.

ناطق، هما (۱۳۶۲). «انجمن‌های شورایی در انقلاب مشروطیت»، *القبلا*. شماره ۴، ص ۴۰-۱.

روزنامه ایران (۱۳۲۷ق). سال شصتم، شماره ۱۱، ۱۷ شعبان.

روزنامه ایران‌نو (۱۳۸۵). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تنظیم: عنایت‌الله رحمانی. جلد ۱، شماره ۱-۱۵۰.

روزنامه حیل‌المتین تهران «یومیه حیل‌المتین» (۱۳۸۳). تهران: دانشگاه تهران. جلد ۱. سال اول. شماره ۱-۱۵۷ و جلد ۲. سال اول. شماره ۱۵۸-۲۷۴.

روزنامه حکمت (۱۳۸۴). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. تنظیم: عنایت‌الله رحمانی. جلد ۴. سال شانزدهم تا نوزدهم. چاپ اول.

روزنامه شرق (۱۳۲۷ق). شماره ۶ یکشنبه ۲۴ رمضان.

روزنامه شمس (۱۳۲۷ق). سال دوم. شماره ۱۷، ۱۷ ذی‌الحجه.

روزنامه صبح صادق (۱۳۸۴). تهران: دانشگاه تهران. سال اول. شماره ۱-۱۵۱. چاپ اول.

_____ (۱۳۲۶ق). سال دوم، شماره ۶ یکشنبه ۳ محرم.

روزنامه مجلس (۱۳۷۵). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. جلد ۱، شماره ۱-۲۲۲.

_____ (۱۳۷۶). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. جلد ۲. شماره ۱-۱۵۴ و جلد ۳. شماره ۱-۱۴۶.

کتاب

آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷). *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. مترجم سهیلا ترابی. تهران: شیرازه. چاپ دوم.

آجودانی، ماشالله (۱۳۸۷). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران. چاپ نهم.

اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای ملی*. تهران: گستره.

احتشام‌السلطنه (۱۳۶۷). *خاطرات احتشام‌السلطنه*. به کوشش و تحشیه محمدمهدی موسوی. چاپ دوم. تهران: نشر زوار.

تکنابی، محمد بن سلیمان (۱۳۸۶). *قصص العلماء*. تهران: علمی و فرهنگی.

جهانشاهلو، قاسم (۱۳۹۹). *تاریخ افشاریه، طوایف، خوانین و محال ایل افشار خمه‌سه*. به کوشش محسن میرزایی. تهران: نشر شیرازه.

حاجی‌وزیر زنجانی (۱۳۸۹). *دفتر تاریخ، خاطرات و خاندان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات افشار. جلد چهارم.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*. تهران: عطارد. جلد ۲. چاپ پنجم.

رضایی، امید (۱۳۹۸). *فهرست مجموعه قبایله‌های اسنادی محاکم شرع فارس و زنجان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس.

روحانی، محمدرضا (۱۳۴۷). *فرهنگ‌نامه زنجان*. زنجان: پرچم.

زنجانی، ابراهیم (۱۳۹۳). *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*. به اهتمام غلامحسین میرزاصالح. تهران: کویر.

زنجانی، احمد (۱۳۹۶). *الکلام یجر الکلام*. قم: حق‌بین. جلد ۱ و ۲.

سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر. جلد‌های ۵ تا ۲.

سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶). *مرآت‌الوقایع مظفری*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب. دوره دو جلدی.

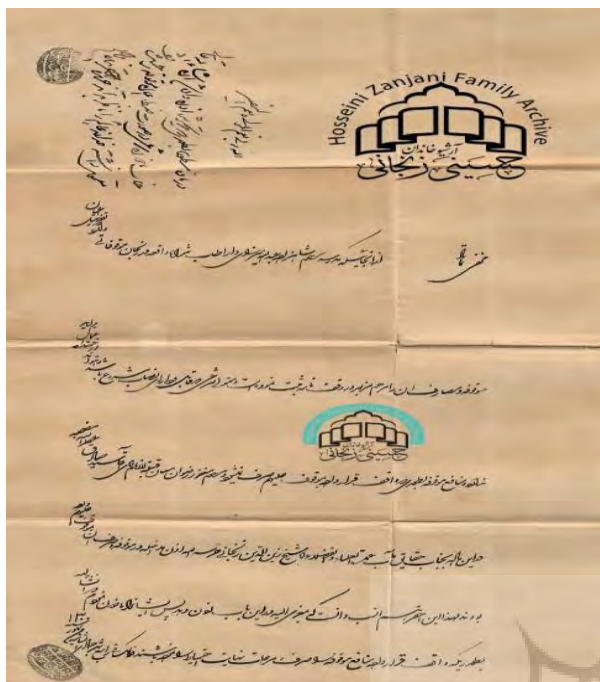
شبیروی‌زنجانی، احمد (۱۳۹۷). *جنگل مولا*. به کوشش جواد شبیری‌زنجانی. قم: کتابخانه مرعشی‌نجفی.

شجیعی، زهرا (۱۳۴۴). *نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست‌ویک دوره قانونگذاری*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

صفری، بابا (۱۳۵۳). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. تهران: امید. جلد‌های ۱ و ۳.

فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳). *گیلان در جنبش مشروطیت*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

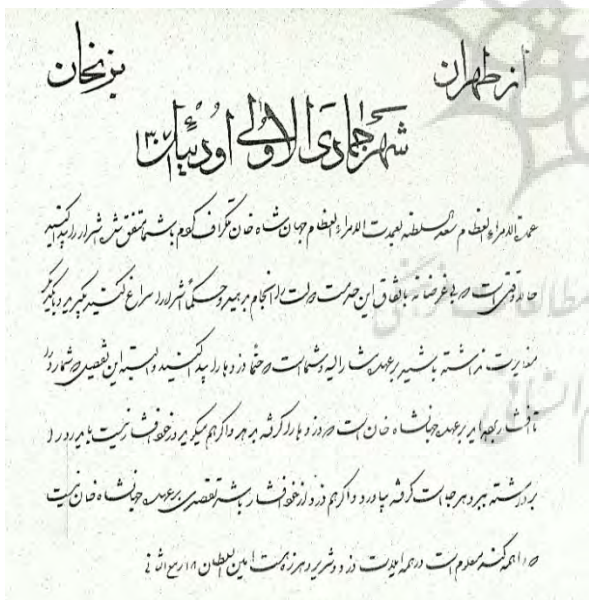
نمونه عکس‌های اسناد



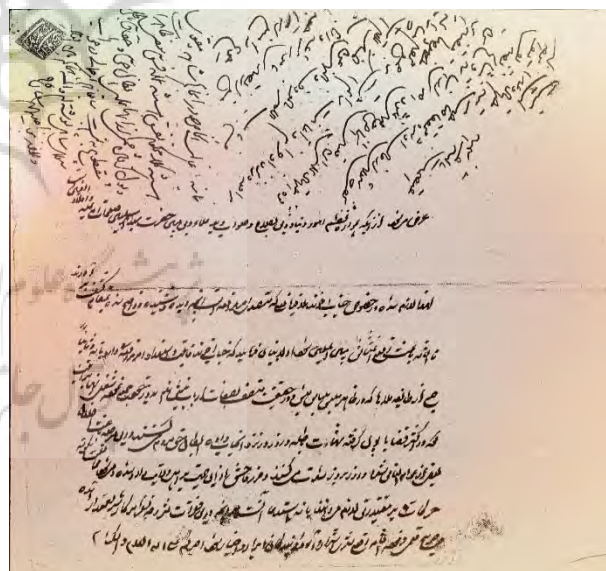
نامه میرزا ابوطالب موسوی در رد تولیت خاندان امام جمعه بر مسجد جامع. اسناد خاندان امام جمعه، ۱۳۹۹: اسناد دفتر آیت‌الله حسینی



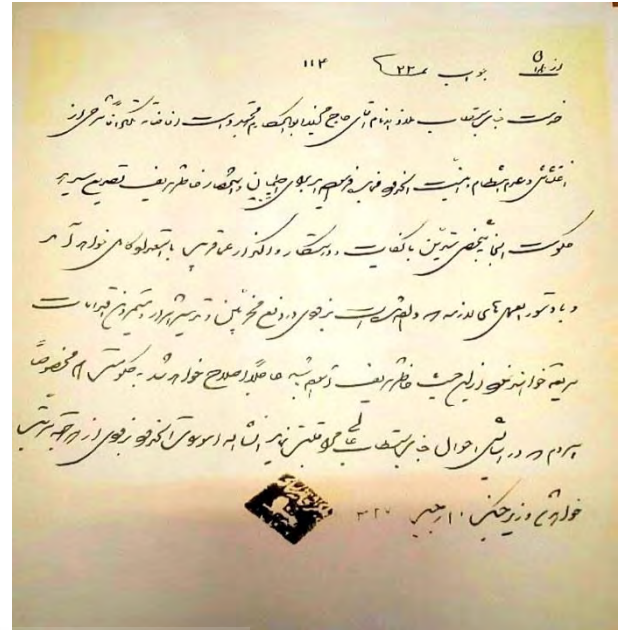
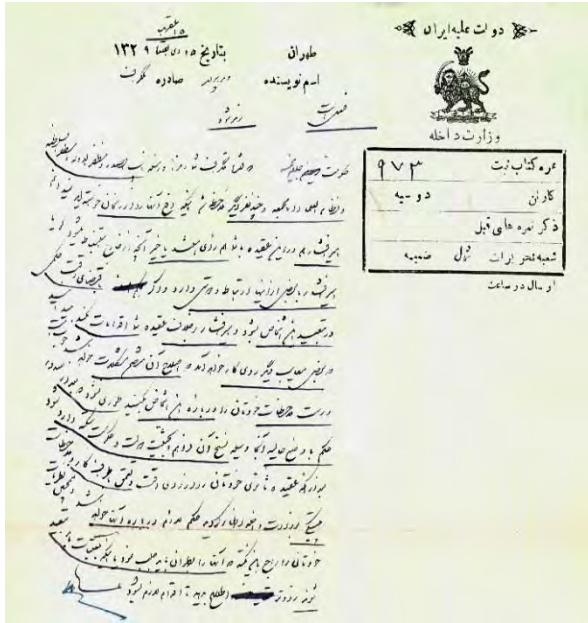
رقابت‌های علمای زنجان، رد تولیت نایب‌الصدر بر مسجد جامع زنجان توسط ملاقرابعلی در سال ۱۳۱۹ ق. اسناد خاندان امام جمعه، ۱۳۹۹: اسناد دفتر آیت‌الله حسینی



همکاری جهان‌شاه امیرافشار و سعدالسلطنه جهت دستگیری اشرار ایل افشار. سازمان اسناد ملی، شماره سند ۲۹۵/۶۱۳۳.

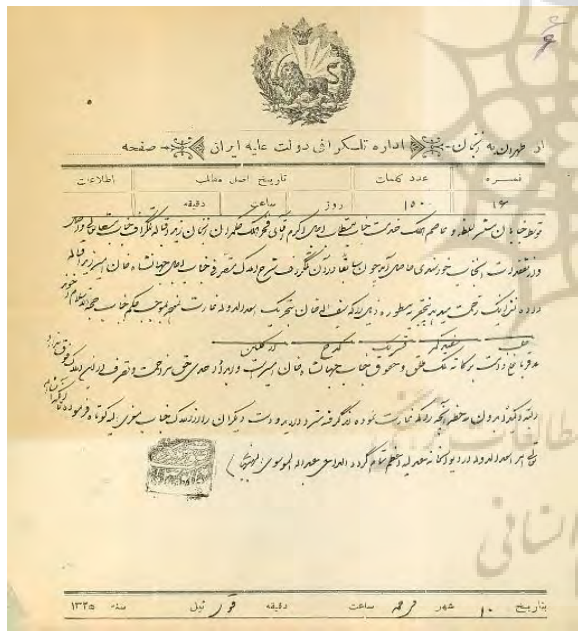


نامه انتقادی میرزا ابوطالب موسوی درباره ملاقرابعلی. نامه‌های علما، ۱۳۹۹: اسناد خاندان موسوی



توصیه تبعید نایب‌الصدر، مظفرالدوله، نظام‌العلما و امام‌جمعه. سازمان اسناد ملی، شماره سند ۲۶۳۸/۲۹۰. شناسه بازیابی ۱۲/۱/۲۶۳۸.

جوابیه سپهدار اعظم وزیر جنگ به میرزا ابوالکرم پیرامون حوادث زنجان، ۱۰ رجب ۱۳۲۷ق: اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ.



اختلاف خوانین بر سر روستاهای اطراف خمسه و حمایت ملاقربانعلی از امیرافشار، سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳.

نامه رئیس انجمن ولایتی زنجان میرزا ابوالکرم موسوی پیرامون برقراری حقوق امام‌جمعه مخالف مشروطه. سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۴۰/۱۴۶۸۰.

